



The Rule Non Bis in Idem in Iranian Jurisprudence, Criminal Law and International Documents

Keramat Pirnia¹, Maryam Aghaei Bajestani^{*2}, Ali Rezavani³

1. PhD Student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 223-232

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3556-512X

TELL: +982333654040

Email: maqaib@gmail.com

Article history:

Received: 04 Oct 2022

Revised: 10 Dec 2022

Accepted: 12 Dec 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Non bis in idem, Iranian Criminal Law, International Criminal Court.

ABSTRACT

The rule the rule non bis in idem protects an individual in double jeopardy for a single crime. In this paper, an attempt is made to investigate this substantial question that what is the approach of Iranian jurisprudence, criminal law, and international documents to the rule non bis in idem and its scope in Iranian jurisprudence and criminal law and international documents? The current paper is descriptive and analytical, and investigates the aforementioned question using the library method. The findings indicate that the legislative, in an admirable act in the Islamic Penal Law approved in 2013, explicitly accepted this rule in the list of discretionary crimes, which is considered to be the major part of the list of crimes in the Iranian criminal law. Given the division of discretionary punishments into designated and non-designated punishments, the most important point is the application of this rule in the punishments of Hudud, Qisas, Diyya, and Sharia-designated discretionary punishments. In other words, this rule is observed only in discretionary crimes, and it is not applied in the cases of Hudud, Qisas, and Diyya, which are not cancellable. Meanwhile, the application of this rule is accepted only if the accused has been tried in the state where the crime occurred, otherwise the above rule is not applied. From the point of view of jurisprudence, by considering the rules such as "prohibition of detriment" and "prohibition of hardship", the rule of non bis in idem can be justified from the Sharia point of view. This is reflected in international documents such as Article 20 of the Statute of the International Criminal Court.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Pirnai, K; Aghaei Bajestani, M & Rezvani, A (2023). "The Rule Non Bis in Idem in Iranian Jurisprudence, Criminal Law and International Documents". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 223-232.



مقدمه

قاعده منع محاکمه یا مجازات مضاعف^۱ بیان می‌دارد که نباید شخصی را برای یک جرم دو بار محاکمه یا مجازات کرد. این قاعده در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و پروتکل هفتم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز تصریح شده است. این قاعده در روابط مابین دولت‌ها در قالب مقررات ملی یا معاهدات منطقه‌ای و دو یا چندجانبه به صورت محدود مطرح است. این قاعده در اغلب نظام‌های ملی به رسمیت شناخته شده است ولی هرگز در قوانین کاملاً انعکاس پیدا نکرده است. ماده ۷ مربوط به بُعد فاعلی اصل صلاحیت شخصی است و بیان می‌دارد «در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد». ماده ۸ به بُعد مفعولی این اصل می‌پردازد و بیان می‌دارد: «متهم در جرایم قابل تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد». این مواد برای بیان قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف جامعیت لازم را ندارند چون قاضی ایرانی فقط در مقام اعمال «صلاحیت شخصی» می‌تواند به این قاعده استناد کند زیرا «بر اساس ماده ۵ در اعمال صلاحیت حمایتی مراجع قضایی ایران همواره ملزم به تعقیب و محاکمه شخص هستند هرچند وی قبلاً به همین اتهام در کشور محل وقوع جرم یا توسط دولت متبوع خود یا دولت صالح دیگری محاکمه و مجازات شده باشد. دادگاه فقط ملزم است مجازات اعمال شده قبلی را محاسبه کند بایستی این مسأله در مواردی صادق گردد که دادگاه‌های خارجی محاکمه صوری برپا نموده و مجازات نامتناسب اعمال کرده باشند» (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۷). در خصوص حیطه اجرای این قاعده براساس موازین اسلامی موافقان و مخالفان زیادی وجود دارد. «عده‌ای بر این باورند این قاعده در جرایم تعزیری رعایت می‌گردد و در حدود، قصاص، دیات که تعطیل‌بردار نیستند اعمال نمی‌شود. هم چنین این قاعده در صورتی پذیرفته است که متهم در دولت

محل وقوع جرم محاکمه شده باشد در غیر این صورت این قاعده اعمال نمی‌شود» (فضایلی، ۱۳۹۲: ۳۰۷). گروهی دیگر بیان می‌دارند «در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این قاعده تحت عنوان یکی از شرایط اعمال اصول صلاحیت شخصی و صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه و صرفاً در قلمرو مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص شرعی مورد قبول واقع شده است. ظاهراً تدوین‌کنندگان این قانون قبول این قاعده را در حوزه مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی مغایر با موازین اسلامی دانسته‌اند. اما با دقت در آموزش‌های اسلامی از خصوصیات انعطاف‌پذیری احکام اسلامی وجود قاعده فقهی ملازمه بین حکم عقل و شرع و نیز قواعد فقهی لاجرح و لاضرر می‌توان به عدم استحکام این عقیده پی برد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۷). به این ترتیب با توجه به چالش‌های فراوان این قاعده در قوانین ایران و ضرورت بررسی، تحلیل و تطبیق اصول حاکم بر آن با اسناد بین‌المللی اهمیت و ضرورت این مطالعه آشکار می‌شود؛ در این مقاله تلاش شده، جایگاه و نقش قاعده منع محاکمه مضاعف و نیز تناقضات قانونی آن در حوزه حقوق داخلی و بین‌المللی تشریح شود و به بررسی این سؤالات مهم پرداخته شود که (۱) سیاست کیفری ایران با وجود فراز و نشیب‌های فراوان قانونی، در مورد اجرای احکام صادره از دادگاه‌های خارجی، در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ چه وضعیتی دارد و رویکرد فقه و اسناد بین‌المللی در این خصوص چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در فقه، سپس در حقوق کیفری ایران و در ادامه در اسناد بین‌المللی بررسی شده است.

۱- قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در فقه

در نظام اسلامی پذیرش این قاعده در دو حالت دچار مشکل شده است: اولین مشکل این است که جرایم مستوجب حدود و قصاص، مجازات‌های منصوص شرعی دارند و عقیده رایج آن است که در صورت اثبات این جرایم، الزاماً بایستی همان مجازات‌های منصوص در مورد آن‌ها اجرا شود؛ دومین مشکل آن است که فقیهان عمدتاً مستند به موازین اسلامی، دادگاه‌های کشورهای دیگر را قبول ندارند. بر این اساس در

^۱ - Ne Bis In Idem, Non Double Jeopardy

اهداف مجازات را تأمین می‌کند؛ چون اگر مجازات تعیین شده توسط انسان قابل قبول نبود خداوند باید برای همه جرایم مجازات‌های معینی را تعیین می‌کرد» (قلجلو، ۱۳۸۳: ۷۱).

از قواعد فقهی بسیار کاربردی در این بحث قاعده «لاضرر» است. بررسی موارد استعمال واژه‌های ضرر و ضرار در منابع اسلامی نشان می‌دهد که ضرر شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است و طبیعتاً شامل خسارت‌های مادی، معنوی، مالی و بدنی می‌شود. «به این ترتیب می‌توان دریافت هر چیزی که منجر به وارد آمدن ضرر بر فرد شود به هیچ وجه مورد تأیید و امضای شرع قرار ندارد. حال سؤال اصلی این است که آیا اعمال دو مجازات بر شخص برای یک جرم، شخص را در معرض خسارت و زیان قرار نمی‌دهد و عرف چنین شخصی را متضرر نمی‌داند؟ این مورد نیز مصداقی از ضرر وارد نمودن به اشخاص محسوب می‌شود. اگرچه مجازاتی که فرد به موجب قوانین و احکام اسلامی متحمل می‌شود فی نفسه به حق است. اما در این مورد این مجازات سبب ایجاد ضرر برای شخص می‌شود که به موجب این قاعده مورد نفی شارع مقدس می‌باشد. لذا این حکم اولیه اسلام که همان اجرای احکام جزایی اسلام می‌باشد، به موجب این قاعده برداشته شود و جای خود را به حکم ثانویه که صرف نظر نمودن از مجازات است، بدهد» (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۱۳۸/۴).

قاعده بعدی قاعده «لا حرج» است. حرج به معنی تنگی، تنگنا و ضیق آمده است. «عدم پذیرش قاعده منع محاکمه مضاعف، موجب اختلال و حرج در نظام زندگی فرد و جامعه می‌شود چون باعث بی اعتبار محسوب شدن احکام دادگاه‌ها می‌شود و در نتیجه دعوا پس از رسیدگی در دادگاه نیز تمام شده محسوب نمی‌شود و اشخاص پس از محاکمه نیز در موردشان احتمال محاکمه مجدد وجود دارد. لذا به استناد این قاعده نیز می‌توان قاعده منع محاکمه مجدد را پذیرفت. همچنین بیان شده، اعمال قاعده ممنوعیت مجازات مضاعف در قصاص و دیات به دلیل جنبه غالب حق الناس با مانع جدی روبه‌رو است» (قلجلو، ۱۳۸۳: ۷۱). در مورد این جرایم معمولاً تا زمانی که بزه دیده اقدام به طرح شکایت نکند،

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این قاعده صرفاً در مورد تعزیرات، آن هم در مورد تعزیرات غیرمنصوص شرعی (نه همه تعزیرات) پذیرفته شده است.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا قاعده منع محاکمه مجدد مجرمین را همان طور که قانون جدید مجازات اسلامی مقرر داشته تنها می‌توان در مورد تعزیرات غیرمنصوص شرعی پذیرفت و یا اینکه می‌توان جرایم با مجازات‌های شرعی را هم مشمول این قاعده نمود؟ برای پاسخ به این سؤال باید برای این قاعده جایگاهی اسلامی بیابیم، تا بتوانیم این قاعده را در جرایم با مجازات‌های منصوص شرعی نیز بپذیریم. بر اساس قاعده ملازمه که می‌گوید: «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل» یعنی هرچه را عقل حکم کند شرع هم حکم می‌کند و هرچه شرع حکم کند عقل هم به آن حکم می‌کند. بر این اساس در خصوص قاعده منع محاکمه مجدد «وقتی این نتیجه به دست آمد که مصالحی که اجرای این قاعده تضمین کننده آن‌ها است از مصلحت اجرای مجازات‌های منصوص در جرایم با مجازات منصوص مهم‌تر است می‌توان از اجرای این مجازات‌ها صرف نظر کرد و به نظر هم همین طور می‌باشد. چرا که یکی از مهم‌ترین مبانی پذیرش این قاعده پرهیز از ظلم به متهم می‌باشد و با نگاهی به آموزه‌های اسلامی می‌توان دریافت که پرهیز از ظلم جزء تأکیدات اسلام بوده و می‌توان آن را هنگام تزاخم با اجرای مجازات‌های منصوص شرعی در اولویت قرار داد» (پوربافرانی، ۱۳۸۱: ۱۸۶).

در خصوص ارشادی بودن بخشی از احکام جزایی اسلام می‌توان گفت در خصوص محاکمه مجدد مجرمین اگر عقل انسان به این نتیجه برسد که مجازات دوباره بر شخص چون در حقیقت همراه با ظلم به مجرم است، نمی‌تواند تأمین کننده اهداف مجازات‌ها باشد؛ یا اجرائش با مصالح مهم‌تری در تزاخم است، می‌توان از اجرای آن صرف نظر نمود. «در ضمن با وجودی که بر این باوریم در خصوص مجازات‌های منصوص شرعی چون آن مجازات از سوی خداوند تعیین شده، بهترین مجازات ممکن است، اما آن مجازات غیرشرعی هم تا حدی

مجرم محاکمه و مجازات نمی‌شود، بنابراین محاکمه و مجازات متهم در دادگاه سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی ناشی از اقدام بزه‌دیده بوده و بزه‌دیده اعمال قانون آن کشور را بر دعوایش پذیرفته است و کار او به این معنا است که از حق خود که طرح شکایت در دادگاه کشور اسلامی ایران است، صرف‌نظر کرده و لذا نباید به او اجازه داده شود، با طرح مجدد دعوا در دادگاه ایران متهم را در معرض دو بار محاکمه و مجازات قرار دهد.

«با بررسی نظریات گوناگون در این خصوص می‌توان به این نتیجه رسید که پذیرش کامل قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف از سمت شرع با مانعی مواجه نیست و مبنای‌ای که باعث پذیرش این قاعده در حقوق بین‌الملل شده مورد تأیید و تأکید اسلام نیز می‌باشد به این ترتیب می‌توان این قاعده را در کلیه جرایم و بدون استثنا نمودن جرایم با مجازات‌های منصوص شرعی تا جایی که مصلحت اقتضاء می‌کند، مورد پذیرش قرار داد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۷).

۲- قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف در حقوق ایران

این قاعده سال ۱۳۵۲ وارد قانون مجازات ایران شد و سپس حذف شد تا در سال ۱۳۸۶ مجدد مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت اما لازم‌الاجرا نشد تا در سال ۱۳۹۲ به تأیید شورای نگهبان درآمد. لازم به ذکر است: «الف) این قاعده فقط در مورد «احکامی» که از دادگاه صادر می‌شوند و در اثر عدم اعتراض یا پس از تجدیدنظرخواهی در دادگاه بالاتر قطعی می‌شوند، قابل اجرا است. ب) این قاعده فقط در صورتی که حکم «قطعی» یافته باشد قابل اجرا است. ج) این نهاد یا قاعده شباهت زیادی با امر مختوم کیفری در حقوق داخلی دارد. د) قاعده منع «محاکمه» و «مجازات» مجدد در حقوق بین‌المللی کیفری هم در مورد محاکمه و تبرئه قطعی اجرا می‌شود و هم در موردی که محکومیت قطعی یافته و مجازات در مورد شخص به‌طور کامل اجرا شده باشد».

در قانون سال ۱۳۹۲، در مواد ۷ و ۸ برای اولین بار پس از انقلاب مضمون این قاعده در قانون مجازات اسلامی بیان شده است. مرجع قضایی مطابق مواد ۷ و ۸ و در مقام

اعمال صلاحیت شخصی در صورتی که جرم موردنظر از جرایم تعزیری باشد و متهم در محل وقوع جرم محاکمه و حکم قطعی صادر شده باشد (تبرئه یا محکومیت) و در مورد محکومیت کل مجازات یا قسمتی از آن اجرا شده باشد، مجدداً قابل تعقیب نخواهد بود. مواد مذکور در بیان قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد از جامعیت کافی ندارند زیرا: اولاً، قاضی ایرانی فقط در مقام اعمال «صلاحیت شخصی» می‌تواند به این قاعده استناد کند. یعنی در مقام اعمال سایر اصول صلاحیتی این قاعده قابل اجرا نیست. ثانیاً، فقط در جرایم تعزیری این قاعده رعایت می‌شود و در حدود، قصاص، دیات که تعطیل‌بردار نیستند اعمال نمی‌شود. ثالثاً، اعمال این قاعده فقط در صورتی پذیرفته شده که متهم در دولت محل وقوع جرم محاکمه شده باشد والا این قاعده اعمال نمی‌شود. «رویکرد قانون ۱۳۹۲ مجازات اسلامی به مقررات مربوط به اصول صلاحیت، با تغییرات قابل توجهی همراه بوده است. رویکرد قانون ۱۳۹۲، هم‌چنان رویکرد اعمال مجازات مضاعف است، موضوعی که به صراحت در متن ماده ۷ قانون پیش‌بینی شده است؛ لکن موضع مقنن در ماده ۷ قانون مجازات اسلامی را از عموم و اطلاق خود خارج کرده و با وضع قیود و شرطی محدود کرده است. در قانون ۱۳۹۲، شروط لازم و مقدماتی برای محاکمه مجدد در محاکم ایران دسترسی (یافتن شدن) به متهم در ایران از جمله شروط تعقیب و محاکمه مضاعف ذکر شده است. «در اجرای اصل صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مرتکب، ممنوعیت مجازات مضاعف در مورد محکومیت با اجرای تمام یا قسمتی از مجازات و براءت در دادگاه خارجی و صرفاً در جرایم تعزیری قابل اعمال است» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۲). «شرط اعمال صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مرتکب، جرم بودن رفتار ارتكابی در قلمرو کشور دیگر در قانون جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است. بنابراین تعبیر و شرط مقنن در بند ۲ قسمت هـ ماده ۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، اصلاحی ۱۳۵۲ مبنی بر این که عمل به موجب قانون محل وقوع، جرم باشد، تغییر یافته و شرط مندرج در بند ۱ قسمت هـ ماده ۳ قانون اخیرالذکر که ناظر بر جرایمی است که حداکثر مجازات آن‌ها به موجب قانون

صالح به رسیدگی نمی‌دانند، این نوع تعارض صلاحیت را تعارض صلاحیت منفی می‌نامند. ولی بعضی اوقات بیش از یک مرجع خود را صالح به رسیدگی می‌دانند که این نوع تعارض را تعارض صلاحیت مثبت می‌نامند. در این خصوص باید بیان شود که اولاً حقوق کیفری ایران اصول صلاحیت چهارگانه (سرزمینی، شخصی، واقعی، جهانی) را پذیرفته است. ثانیاً اقدام دادگاه‌های ایران ممکن است با صلاحیت دولت‌های دیگر اختلاف و تعارض پیدا کند. ثالثاً چون قواعد حل تعارض در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است، این امر منتهی به تعقیب، محاکمه و مجازات مجدد خواهد شد.

۲-۱-۲- وحدت موضوع

مقصود از وحدت موضوع این است که شخص واحد را نمی‌توان به اتهام ارتکاب همان جرم قبلی که نسبت به آن محاکمه شده است، دوباره محاکمه کرد. یکی از شرایط و عناصر تشکیل‌دهنده قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، موضوع وحدت یا عدم وحدت جرم و رفتار یا عمل ارتكابی یا موضوع است. در صورتی که عمل ارتكابی در خارج «جرم» بوده و مرتکب آن محکوم یا تبرئه شده یا قرار منع تعقیب یا موقوفی در خارج صادر شده باشد. مشمول قاعده منع محاکمه و مجازات است. به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم بندهای چهارگانه قسمت «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی، معیار و ملاک «همان» در این قاعده، «موضوع یا واقعه» صرف‌نظر از وصف جزایی بوده است. همچنین اطلاق واژه «جرم» در قسمت «ه» و بندهای ذیل آن مؤید پذیرش «تفسیر موسع» نسبت به اصطلاح «همان» است. در نتیجه، یا توجه به کلیت آن، هر جنحه یا جنایتی که از طرف اتباع ایرانی در خارج ارتکاب یافته بر طبق قسمت «ه» و شرایط ذیل آن در ایران قابل تعقیب و مجازات بوده است مگر اینکه به خاطر همان عمل ارتكابی در غیر موارد مندرج در بندهای «ج» و «د» این ماده، رأی قطعی نسبت به مرتکب در خارج صادر شده باشد. به نظر می‌رسد با توجه به عبارات «همان اتهام» یا «همان جرم» تفسیر مورد نظر اداره کل حقوقی قوه قضائیه «تفسیر مضیق» است. بنابراین تنها «وحدت جرم» مانع از محاکمه و مجازات مجدد است و اعمال و وقایع با اوصاف

ایران بیش از یک سال حبس بود، پذیرفته نشده است. معاذیر قانونی که مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران، موجب منع یا موقوفی تعقیب یا عدم اجرا یا سقوط مجازات شود، همانند ترتیب مقرر در ذیل بند هـ ماده ۳ قانون مجازات عمومی، از جمله موانع اعمال اصل صلاحیت شخصی و محاکمه و مجازات مجدد مرتکب در محاکم ایران مقرر شده است. مجازات موضوع حکم نخستین در صورت اعمال نسبت به بزهکار، قابل احتساب در مجازات موضوع حکم محکومیت دوم صرفاً در محدوده جرایم پنج‌گانه موضوع ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و موضوع اصل صلاحیت واقعی دانسته شده است. هرچند در اظهار نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این خصوص زمانی که هنوز قانون مجازات به صورت لایحه بود و به تصویب نرسیده بود «سب یا توهین به ائمه معصومین «علیهم‌السلام» نیز به فهرست این جرایم افزوده شده بود که در نسخه نهایی قانون حذف شده است. اصل صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مجنی‌علیه با شرایطی پذیرفته شده و ماده قانونی جدیدی که در قانون مجازات عمومی و قوانین مجازات اسلامی بعد از انقلاب فاقد سابقه بوده، تدوین شده است. اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد بر اعمال اصل صلاحیت شخصی به اعتبار تابعیت مجنی‌علیه و محاکمه مجدد مرتکب، حاکمیت یافته است» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۲). جرایم مشمول قصاص، حدود و دیات از دایره اعمال ممنوعیت و محاکمه و مجازات مضاعف خارج شده و اجرای اصل مذکور صرفاً به جرایم تعزیری محدود شده است.

۲-۱-۲- شرایط تحقق قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد

به‌طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین شرایط تحقق قاعده عبارت‌اند: از قطعیت رأی نخستین، وحدت اشخاص، وحدت سبب و وحدت موضوع.

۲-۱-۱- صلاحیت دادگاه‌ها و حل تعارض آن

صلاحیت کیفری عبارت است از «توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی به رسیدگی به یک دعوی کیفری» (آشوری، ۱۳۸۰: ۲۹). بعضی اوقات هیچ‌یک از مراجع، خود را

جزایی متعدد در قوانین ایران و سایر کشورها موجبی برای منع تعقیب مجدد در ایران نیست.

۲-۱-۳- وحدت اشخاص

در حقوق ایران، اصولاً، منظور از «وحدت شخص» همان شخص حقیقی است و در موارد استثنایی که مقنن ایران قائل به مجازات نقدی یا اقدامات تأمینی علیه شخص حقوقی است، محاکمه و مجازات شخص حقوقی، مانع از محاکمه و مجازات شخص حقیقی (مدیرعامل یا نماینده شخص حقوقی) و برعکس نیست.

۲-۱-۴- وحدت سبب

«منظور از سبب دعوا مبنا یا هدفی است که براساس آن اقدام به رسیدگی می‌شود. زمانی می‌توان گفت که اعتبار امر مختوم در رسیدگی قبلی مانع از رسیدگی مجدد به موضوع است که سبب دعوا در رسیدگی سابق و رسیدگی جدید یکی باشد؛ بنابراین از آنجا که ممکن است عمل مرتکب موجب خسارت مالی بزه‌دیده هم شده و به همین جهت دعوی حقوقی نسبت به آن منجر به صدور حکم قطعی علیه مرتکب گردیده باشد، این رسیدگی مانع رسیدگی مرجع کیفری به این عمل مرتکب که ممکن است با یکی از عناوین جزایی منطبق باشد نخواهد بود» (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۱۶). «بنابراین مقصود از وحدت سبب این است که طرح دعوی کیفری علیه کسی که قبلاً محکومیت کیفری یافته و یا حکم برائت او صادر گردیده به همان سبب ممنوع است» (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۳۱/۱). سبب طرح دعوی عمومی همان حفظ حقوق جامعه از طریق اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی است، بنابراین وقتی که وحدت سبب به عنوان سومین شرط حصول امر مختوم کیفری مطرح می‌شود «منظور این است که طرح دعوی کیفری علیه کسی که قبلاً محکومیت یافته و یا حکم برائت او صادر گردیده، ممنوع است و به این دلیل که احکام صادره از سوی سایر مراجع مانند مراجع اداری و انضباطی که در ارتباط با حیثیت عمومی صادر نشده‌اند یا صدور حکم نسبت به حقوق خصوصی ناشی از جرم، مانع از طرح دعوی کیفری علیه متهم نیست» (آشوری، ۱۳۷۵: ۱۸۸).

۲-۱-۵- قطعیت رأی

تصمیمات دادگاه وقتی اعتبار امر مختومه را پیدا خواهند کرد که تصمیم اعم از حکم یا قرار غیرقابل اعتراض یا تجدیدنظر باشد. وقتی تصمیم دادگاه، مشمول قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد است که قابل اعتراض و تجدیدنظر نباشد. به عبارت دیگر، در صورت قطعی شدن تصمیم، هر نوع تعقیب کیفری متهم در مورد همان دعوا حسب قاعده اعتبار امر مختوم کیفری منع می‌شود. در مواردی که حکم دادگاه قابل واخواهی و یا تجدیدنظر در مراجع قضایی بالاتر باشد و حکم پس از رسیدگی مجدد نهایتاً قطعی شود، حتی اگر مجازات تعیین شده در حکم محکومیت قطعی صحیح نباشد، مختومه تلقی شده و امکان رسیدگی مجدد وجود ندارد. طبق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳ آرای که در مرحله تجدیدنظر صادر می‌شود، قطعی است (ماده ۴۴۳).

۲-۲- استثنائات بر قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد

۲-۲-۱- دلایل و وقایع جدید

کشف دلایل و وقایع جدید در مقررات دادرسی کیفری کشورهای آلمان، فرانسه، بلژیک و هلند در صورتی که به نفع متهم باشد موجب تجدید محاکمه می‌شود. در بند ۵ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ایران در امور کیفری تصریح شده است که هرگاه پس از صدور حکم قطعی دلایل جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه باشد، حتی در صورتی که مفاد حکم اجراء شده باشد، قابل اعاده دادرسی است. در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی استثنایی برای قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد پیش‌بینی نشده است، لیکن کمیته حقوق بشر دلیل جدید را به عنوان یکی از شرایط و اوضاع احوال استثنایی پذیرفته است. هم‌چنین بند ۲ ماده ۴ پروتکل هفتم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دلیل جدید یا واقعه جدید کشف شده را به عنوان یکی از استثنائات قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد بر شمرده است. در حالت کلی در سطح بین‌المللی، کشف ادله جدید در

مراجع صلاحیت‌دار، قانونی را که بر اساس آن شخصی محکوم شده است، ابطال شود. مطابق بند ۷ قانون آئین دادرسی کیفری ایران، در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد، پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد. برابر مقررات بلژیک در صورتی که شخص به موجب قانون جزایی محکومیت قطعی یافته باشد و قانون مورد بحث بعد از محکومیت توسط دادگاه قانون اساسی بلژیک ابطال شود، حکم قطعی محکومیت نقض می‌شود.

۲-۳-۴- حکم مخدوش ناشی از فریب، تهدید، اخافه، عمد یا اشتباه

«در مقررات دادرسی برخی از کشورها،^۲ در موارد خاص وقتی قاضی دادگاه فریب می‌خورد و حکم صادر شده بر مبنای فریب و اغفال است درخواست رسیدگی مجدد نسبت به اعتبار امر مختومه ممکن است در دادگاهی که حکم قطعی را صادر کرده است صورت گیرد» (ماده ۱۱۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی بلژیک).

۳- در اسناد بین‌المللی

خاستگاه این قاعده را سیستم حقوقی رومی ژرمنی می‌دانند و از اصول کلی و عام مربوط به صلاحیت مثبت قضایی به شمار می‌رود. جایگاه این قاعده در انواع دادگاه‌های بین‌المللی که به صورت خاص و موقت یا دائمی تشکیل شده‌اند، در ادامه به اختصار بررسی می‌شود.

۳-۱- دادگاه‌های بین‌المللی موقت یا خاص

«سند تأسیس این دادگاه‌ها توسط دولت‌های پیروز جنگ (دادگاه نظامی نورنبرگ)، قطعنامه‌های شورای امنیت (دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا) و یا موافقت سازمان ملل متحد با یک دولت معین (مثل دادگاه بین‌المللی اختصاصی سیرالئون و تیمور شرقی) به تصویب رسیده است. این دادگاه‌ها دارای اصول دادرسی مشخص و مدون بوده و تصمیمات و آرای آن‌ها از ضمانت اجرای داخلی و بین‌المللی برخوردار است. هدف از تشکیل

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نسبت به آرای قطعی موجب اعاده دادرسی به نفع محکوم‌علیه است.^۱

۲-۲-۲- جعلی بودن اسناد و خلاف واقع بودن شهادت شهود و اظهار نظر کارشناس

یکی از جهات اعاده دادرسی و تعقیب و محاکمه مجدد در مقررات دادرسی کیفری ایران به موجب بند ۴ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ایران در امور کیفری اثبات جعلی بودن اسناد و خلاف واقع بودن شهادت است که اساس صدور حکم بوده است. این موارد در غالب کشورها مثل آلمان، یونان و فنلاند امکان تجدید محاکمه علیه شخص متهم وجود دارد. بحث‌های زیادی درخصوص حذف عبارت «به سود محکوم‌علیه» در ماده ۲۳ قانون وجود دارد اعاده دادرسی به نفع محکوم‌علیه توسط طرفداران مکتب تحقیقی مورد انتقاد قرار گرفت و اعلام شد که با اتخاذ روش مذکور، دفاع اجتماعی متزلزل می‌شود. بدین توضیح که اگر متهم بتواند در برهه‌ای از زمان دلایل ارتکاب جرم را پنهان نگه دارد و موجبات تبرئه خود را فراهم کند برای همیشه از مجازات مصون می‌ماند. وجود چنین بزهکاران اصلاح‌نشده و طعم مجازات نچشیده در جامعه خطرناک است. طرفداران این مکتب خشونت‌گرا پیشنهاد می‌کنند که اعاده دادرسی به ضرر متهم نیز پذیرفته شود. در مقابل، مخالفین اعاده دادرسی به ضرر متهم استدلال می‌کنند که اگر اعاده دادرسی علیه محکوم پذیرفته شود، افراد تبرئه شده همیشه نگران خواهند بود. این نگرانی‌ها و پریشان‌دلی‌ها نتایج روحی و روانی نامطلوبی دارد.

۲-۲-۳- ابطال قانون و یا تخفیف مجازات

از دیگر موارد اعاده دادرسی وقتی است که مقنن بعد از صدور حکم محکومیت، به موجب قانون لاحق، مجازات جرم را تغییر دهد به نحوی که مفید به حال محکوم باشد یا اینکه توسط

^۱- بند الف ماده ۸۴ اساسنامه مقرر داشته است که: «الف - ادله جدید کشف‌شده که: ۱- در موقع محاکمه در دسترس نبوده، مشروط بر اینکه این امر جزئاً یا کلاً متناسب به متقاضی اعاده دادرسی نباشد. ۲- دارای آن‌چنان اهمیتی باشد که اگر در جریان محاکمه ارائه و تأیید می‌گردید به احتمال قوی منجر به صدور رأی دیگری می‌شد».

^۲ -مانند مواد ۱۱۳۲-۱۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی بلژیک

جرائم معمولی مثل قتل عمدی و سرقت و غیره فاقد صلاحیت است. صلاحیت دادگاه‌های ملی نه تنها درخصوص جرائم معمولی است بلکه در صورت تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط مراجع ذی‌صلاح ملی شامل جرائم بین‌المللی نیز می‌شود. بررسی صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی از این جهت که نه برای مدت‌زمان محدود و نه به‌طور موردی برای رسیدگی به وضعیت خاص، آن‌طور که در دادگاه‌های قبلی عنوان شد، بلکه به‌صورت نامحدود و باصلاحیت عام به وجود آمده است که حتی علیه طراحان اساس‌نامه دادگاه‌ها و به وجود آوردنش نیز می‌تواند اعمال صلاحیت کند، از اهمیت خاص برخوردار است (اسماعیلیان، ۱۳۹۲: ۳۷).

نتیجه‌گیری

قاعده منع محاکمه مجدد یکی از قواعد مهم حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی است. براساس این قاعده نباید یک نفر را برای ارتکاب یک جرم دو بار مجازات کرد. این قاعده به علت مهم بودن در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر مطرح شده است. قاعده منع محاکمه مجدد در اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی و موقت نیز پذیرفته شده است. قاعده مذکور در حقوق ایران، صریحاً مورد شناسایی قرار گرفته است. پذیرش قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد می‌تواند در صورت تأیید کارشناسان مشمول، حکم حکومتی قرار گیرد. در مورد جرائم مستلزم حد، چون اجرای آن در زمان غیبت امام (ع) از نظر فقهای امامیه اجماعی نیست بنابراین عدم اجرای آن مغایرتی با موازین اسلامی ندارد. لیکن چون در اصل ۱۵۶ قانون اساسی اجرای حدود از وظایف قوه قضائیه است، مجمع تشخیص مصلحت نظام، با عنایت به تئوری حکم حکومتی» با جذب نظر کارشناسان ذی‌ربط می‌تواند نسبت به ایرانیانی که در خارج از قلمرو ایران مرتکب جرائم مشمول حد می‌شوند و در آن‌جا به‌عنوان وصف مجرمانه دیگری تحت تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرند، تحت محاکمه و مجازات مجدد قرار ندهد.

در پایان چون احتساب میزان محکومیت طبق قانون مجازات اسلامی ایران (ماده ۵) دارای ابهام است، بنابراین پیشنهاد

دادگاه‌های بین‌المللی شده مجازات مرتکبان نقض جدی اصول حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق بشردوستانه و نیز بازداشتن دیگر افراد از ارتکاب جنایات بین‌المللی و در نهایت استقرار مضاعف حاکمیت قانون است، ازجمله این دادگاه‌ها می‌توان به دادگاه نظامی نورنبرگ، دادگاه یوگسلاوی سابق، دادگاه رواندا، دادگاه سیرالئون و دادگاه تیمور شرقی نام برد» (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۸۶). دادگاه نظامی نورنبرگ به‌عنوان یک مورد از این دادگاه است. ماده ۱۱ اساسنامه (منشور) نورنبرگ متضمن منع تعقیب مضاعف درخصوص جرم عضویت افراد در سازمان‌ها و گروه‌های مجرمانه توسط دادگاه‌های ملی یا نظامی کشورهای دیگر است. درخصوص منع محاکمه مضاعف نسبت به جرائم دیگر در دادگاه‌های ملی و همچنین منع تعقیب مضاعف در دادگاه نظامی نورنبرگ، ساکت است.

۳-۲- دادگاه‌های دائمی

ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی در رابطه با قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف مشتمل بر سه بند است. بند اول مربوط به منع تعقیب مضاعف توسط دادگاه کیفری بین‌المللی، نسبت به تصمیمات قطعی دادگاه بین‌المللی دائمی است و بندهای دوم و سوم در رابطه با تصمیمات قطعی دادگاه کیفری بین‌المللی با دادگاه‌های دیگر است. در بند ۱ ماده ۲۰ ملاک و معیار، وحدت رفتار است یعنی اگر حکم قطعی در دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی نسبت به یک فرد در مورد اتهام جرائم بین‌المللی کشتار جمعی، جرائم علیه بشریت و جنگی، اعم از محکومیت یا براءة صادر شود، اعتبار امر مختوم تحقق می‌یابد و دادگاه کیفری بین‌المللی مجاز به رسیدگی به اتهامات دیگر از جرائم سه‌گانه یادشده ناشی از همان واقعه نیست. این استدلال به‌طور مطلق قابل‌پذیرش نیست، زیرا مدلول ماده (۲) ۲۰ محدود به جرائم مندرج در ماده ۵ اساسنامه، یعنی جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی است. از آن‌جایی که چون صلاحیت هر دادگاه کیفری بین‌المللی تنها محدود به جرائم خاص است، درحالی که صلاحیت دادگاه ملی، با چنین محدودیتی مواجه نیست. درنتیجه، دادگاه کیفری بین‌المللی تنها مجاز به رسیدگی به رفتارهایی است که تشکیل‌دهنده اتهاماتی مانند جرائم چهارگانه است و نسبت به

- آشوری، محمد (۱۳۸۳). *آئین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۷۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات سمت.
- اسماعیلیان، ندا (۱۳۹۲). *قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در اسناد بین‌المللی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۱). «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ۱۲(۴): ۱۸۶-۱۶۱.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۷۳). *حقوق کیفری بین‌الملل اسلامی*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- خالقی، علی (۱۳۸۷). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- فضایی، مصطفی (۱۳۹۲). *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قلیجلو، مهدی (۱۳۸۷). *مجازات مضاعف در نظام کیفری ایران، فقه امامیه و اسناد بین‌المللی*. به راهنمایی استاد عبدالعلی توجهی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۹). *قواعد فقه (بخش جزایی)*. جلد چهارم، چاپ اول، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). *اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه مجازات اسلامی*. چاپ سوم، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۳). *دادگاه کیفری بین‌المللی*. چاپ چهارم، تهران: نشر دادگستر.

می‌شود قانون‌گذار در جهت احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی افراد مفهوم حقوقی قاعده را به صورت مطلق بپذیرد و اختلاف در نظام‌های کیفری کشورهای مختلف، مخصوصاً کشورهای غیر اسلامی باعث تضییع حقوق افراد نشود. این موارد اعم از حکم برائت و یا محکومیتی است که ممکن است در دادگاه ایرانی صادر شود، البته آنچه مطلوب قاعده است اجتناب از محاکمه مجدد برای افرادی است که قبلاً محاکمه و مجازات شده‌اند، فارغ از نوع جرم و میزان محکومیت آن‌ها. همچنین به دنبال نظریاتی که باعث عدم پذیرش احکام صادره از دادگاه‌های خارجی بر مبنای توجیهات شرعی می‌شود، دادگاه‌های ایران دارای صلاحیتی مضاعف برای رسیدگی‌های کیفری خواهد شد که پیشنهاد می‌شود با روشن شدن حیطه صلاحیت محاکم ایران در مواردی هم‌چون جرایم اتباع خارجی علیه اتباع ایرانی در خارج از کشور، صلاحیت محاکم ایران محدود شده و از محاکمه و مجازات مجدد امتناع شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- آشوری، محمد (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ چهارم، تهران: نشر سمت